



هشدارها برای خلیج گرگان بی پاسخ ماند

پاک، خوش آب و هوا و عاری از آلودگی شناخته می شدند، متأسفانه طی دو تاسه سال اخیر و به ویژه امسال، به طور جدی تری تحت تأثیر این جریان های ذرات میکرونی قرار گرفته اند. بر اساس مشاهدات، حدود یک ماه کامل با پدیده ریزگردها درگیر بوده ایم؛ موضوعی که زندگی روزمره مردم را مختل کرده و حتی تأثیرات قابل توجهی بر بخش کشاورزی گذاشته است.»

این فعال محیط زیست اظهار داشت: «ریزگردها و ذرات میکرونی با ناشستن روی گیاهان و محصولات کشاورزی و در ترکیب با شبنم، می توانند باعث کاهش باروری و به اصطلاح عقیم شدن گیاهان شوند و در نهایت کاهش محسوس تولید محصولات کشاورزی در شمال کشور را به دنبال داشته باشند. افزون بر این، آلودگی ناشی از ذرات میکرونی می تواند پیامد های بهداشتی جدی برای مردم داشته باشد؛ مسئله ای که امسال به صورت ویژه و ملموس شاهد آن بوده ایم.»

پساب و سموم، زنجیره غذایی شمال را آلوده کرده اند

منصوری با بیان اینکه دستگاه های مسئول از نظر کیفی، می توانستند و می توانند نقش بسیار مؤثرتری ایفا کنند، گفت: «حدود ۱۰ سال پیش، بارها به شهرداری و شورای شهر بندر ترکمن هشدار دادم؛ زیرا پساب های شهری به صورت کاملاً مستقیم و بدون تصفیه وارد خلیج گرگان و تالاب میانکاله می شد. این موضوع حتی برای خود مردم نیز خطرناک است؛ چراکه به صورت قانونی یا غیرقانونی، صید آبیزان از حاشیه تالاب، عمق تالاب یا بخش هایی از دریا که به تالاب متصل است، انجام می گیرد. فلزات سنگین و آلاینده ها به بدن آبیان تجمع پیدا می کنند و در نهایت از طریق زنجیره غذایی وارد بدن انسان می شوند و می توانند تبعات بسیار سنگینی به همراه داشته باشند. همان طور که امروز شاهد آن هستیم، شکل گیری نوعی کرم بدن سرطان در شمال ایران می تواند نشانه ای از همین روند نگران کننده باشد. در این میان، عملکرد جهاد کشاورزی در زمینه عدم کنترل مصرف کود و سموم در بالادست و همچنین ضعف نظارت وزارت نیرو در حوزه مدیریت منابع آب، از عوامل تشدیدکننده این وضعیت است. شهرداری ها نیز متأسفانه توجه بسیار اندکی به مدیریت پسماند و پساب دارند و در بسیاری از شهرها، روان آب ها و فاضلاب های حاشیه گرگان مستقیماً وارد تالاب میانکاله می شود.»

کاهش تراز آب و دیپوی زباله، با میانکاله چه می کند؟

این فعال محیط زیست در ادامه افزود: «نکته بحران زای دیگری که امروز آن را بسیار جدی می دالم این است که متأسفانه در حاشیه جنوب غربی تالاب میانکاله، یک محل بزرگ دیپوی زباله ایجاد شده است. علاوه بر این، از برخی شهر های دیگر نیز زباله ها به شمال غرب میانکاله، جایی که رودخانه ها به تالاب می ریزند، منتقل می شوند. به دلیل وجود سنگ بست در عمق زیاد، شیرابه ها و انواع آلودگی های ناشی از این زباله ها به سمت تالاب حرکت می کنند و می توانند تبعات بسیار سنگینی برای تالاب و تمام جانداران ساکن در آن، و پیرامون آن، از جمله انسان، به همراه داشته باشند. اعتراض های مردمی به من منتقل شد و گزارش داند که خودرو هایی با پلاک شهر های دیگر مشاهده شده اند که زباله های خود را در حاشیه تالاب میانکاله تخلیه می کنند. متأسفانه این بی توجهی عمده تاً به شهرداری به شهر بازمی گردد که به نوعی نسبت به همه اعتراض ها و پیگیری هایی که طی دو سال گذشته انجام شده، بی اعتنایی نشان می دهد. این در حالی است که با وجود اعلام جرم های متعدد از سوی اداره محیط زیست، این روند همچنان ادامه دارد و جریمه ای که در یکی از موارد کمتر از یک میلیون تومان بوده، بیش از آن که بازدارنده باشد، نوعی دهن کجی به اعتراض ها و شکایت ها تلقی می شود.»

وی افزود: «امیدوارم با پیگیری جدی، استفاده از ظرفیت های دیپلماسی و اعمال فشار مؤثر بر دستگاه هایی که نقش محوری دارند، بتوان این وضعیت را تا حد زیادی کنترل کرد؛ به ویژه در بعد کیفی که به درستی به آن اشاره شد. واقعیت این است که با کاهش تراز آب، تالاب بسیار سریع تر تحت تأثیر آلودگی قرار می گیرد و اکنون که با افت تراز مواجهیم، آلودگی ها بیش از گذشته بر زیست تالاب اثر گذاشته و در نهایت می تواند پیامد های جدی برای سلامت اکوسیستم و انسان به همراه داشته باشد.»

در زیستگاه هایی دیده می شود که در گذشته چنین نبوده است. بااین حال، آنچه بیش از هر چیز مسلم است، ضرورت پیگیری بسیار جدی در سطح بین المللی است؛ زیرا کشور ما نقش چندانی در افزایش یا کاهش ورودی آب یا حقایه دریای خزر ندارد. بیش از ۸۰ درصد حقایه خزر توسط رود ولگا تأمین می شود و ما دسترسی مستقیمی به آن نداریم. توسعه کشاورزی در بالادست ولگا، آبیگری جدی تر سدها در کشور های حوضه آبریز ولگا و همچنین تغییرات اقلیمی و گر مایش زمین، همگی در شکل گیری این شرایط نقش داشته اند. بنابراین، این مسئله فقط محدود به ایران و تالاب های آن نیست و حتی می توان گفت ایران تأثیر کمتری از این روند می پذیرد. در شمال دریای خزر، بخش هایی وجود دارد که بیش از ۳۰ کیلومتر از خط ساحلی آن ها خشک شده و منطقه ساحلی به همین میزان عقب نشینی کرده است. بسیاری از تأسیسات وابسته به آب نیز اکنون با فاصله چندین کیلومتری از آب قرار گرفته و دچار مشکل شده اند.»

تغییر اقلیم، زادآوری فوک خیزی را مختل کرده است

این فعال محیط زیست با عقیده بر آنکه، آنچه باید برای آن برنامه ریزی شود، راهکار های میان مدت و بلندمدت است، گفت: «از جمله این اقدامات تطبیق با شرایط جدید و پذیرش واقعیت های موجود است؛ با این امید که این روند به شکلی مناسب کنترل شود. در حال حاضر، بیشترن تأثیر منفی این وضعیت بر بخش های شمالی تالاب وارد شده است؛ جایی که آب به مناطقی عقب نشینی کرده که دمای بالاتری دارند. این موضوع حتی بر زیستگاه تنها پستاندار دریای خزر، یعنی فوک خیزی، نیز اثر گذاشته است. فوک ها برای زادآوری نیاز دارند توله های خود را در برف و سرمای بخش های شمالی دریای خزر به دنیا بیاورند؛ اما به دلیل گرمایش زمین و پس روی آب، از زیستگاه های برفی و مناسب تاریخی خود دور مانده اند و زادآوری و کیفیت زندگی آن ها به شدت تحت تأثیر این روند قرار گرفته است.»

دیپلماسی منطقه ای برای مهار بحران خزر ضروری است

منصوری با تأکید مجدد بر اینکه در شرایط فعلی، نیاز جدی به مذاکره دیپلماسی وجود دارد، افزود: «باید با کشورهای حوزه دریای خزر در قالب نشست ها و جلسات مختلف گفت و گو شود. به نظر می رسد سازمان حفاظت محیط زیست تا حد زیادی در این مسیر گام برداشته است. با توجه به ارتباطاتی که با مدیران و رئیس سازمان در موضوع خزر داشته ام و گفت و گوهایی که انجام شده، یکی از دغدغه های اصلی این سازمان دقیقاً همین مسئله است. امیدوارم این موضوع به طور جدی تر به دستگاه دیپلماسی کشور منتقل شود و پیگیری ها با قوت بیشتری ادامه پیدا کند.» وی گفت: «منافع همه ساکنان سواحل این دریاچه در آن است که روند کاهش تراز آب کنترل شود؛ چه از منظر معیشتی، چه از نظر کشتیرانی، ژئوپلیتیکی، سیاسی و سایر ابعاد مرتبط. کنترل این روند به نفع همه است و می تواند از بروز تبعات گسترده تر جلوگیری کند. در غیر این صورت، در صورت تشدید این شرایط، حتی احتمال بروز بحران های انسانی نیز وجود دارد. تالاب میانکاله در بخش هایی دارای عمق و آب شور است و خشک شدن نواحی حاشیه ای آن می تواند به شکل گیری حوضچه های نمکی در بخش های مرکزی منجر شود. این حوضچه های نمکی می توانند منشأ بیماری باشند و همچنین زمینه ریزگردها را فراهم کنند؛ ریزگردهایی که هم از نظر انسانی و هم از نظر بهداشتی می توانند منطقه را به شدت تحت تأثیر قرار دهند.»

ذرات میکرونی، باروری محصولات شمال را کاهش می دهند

منصوری با اشاره به اینکه تأثیرات کاهش تراز آب خزر را در نقاط دیگر نیز می توان مشاهده کرد، اذعان داشت: «بیش از ۷۰ درصد مساحت ترکمنستان را صحرای قرقوم تشکیل می دهد که با کاهش تراز آب خزر و کاهش چشمگیر میزان بارش، به یکی از منابع تولید ریزگرد تبدیل شده است. این ریزگردها به صورت ناخواسته ذرات میکرونی را به کشور های همسایه، از جمله بخش های وسیعی از کشور عزیز مان منتقل می کنند.» وی افزود: «استان های مازندران و گلستان که همواره به عنوان مناطق بانک تجارت شعبه اسکندری که ۲۵ به نام دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهر قدس مدارک مورد نیاز در زمان تحویل پاکات: اصل کارت ملی – اصل معرفی نامه – دانشگاه در رد یا قبول یک یا همه پیشنهادات مختار و پرداخت هزینه های آگهی به عهده برنده می باشد.
- شرکت در مناقصه به منزله پذیرفتن کلیه شرایط آیین نامه معاملات دانشگاه آزاد اسلامی می باشد.
- شرکت کنندگان باید دو قرارداد مشابه موضوع مناقصه در پنج سال اخیر داشته باشند.
- شرکت کنندگان بایستی گواهی نامه صلاحیت پیمانکاری معتبر از سازمان پر نامو یونوجه حداقل در پایه ۵ تأسیسات داشته باشند.
- شرکت کنندگان باید امکانات، تجهیزات و نیروی انسانی متخصص داشته باشند.
- مبلغ ضمانت نامه شرکت در مناقصه ۲/۵۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال می باشد.
- سایر شرایط و مشخصات موضوع مناقصه در فرم های مناقصه مندرج می باشد.

مدرک فارغ التحصیلی موقت محسن هوشامی رضانی پور فرزند عبدالعباس به شماره شناسنامه ۴۸۹۹۰ صادره از اهواز در مقطع کاردانی رشته تحصیلی مکانیک خودرو صادره از واحد دانشگاهی اهواز به شماره ۱۲/۵۱۱۵ مورخ ۱۳۹۵/۱/۱۸ مفقود گردیده است و فاقد اعتبار می باشد.
از یابنده تقاضا می شود اصل مدرک را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز به نشانی اهواز فلکه کارگر (فرهنگ شهر) خیابان کارگر جنوبی کلبسیتی ۶۸۸۷۵-۱۳۴۹۰ و صندوق پستی ۱۹۱۵ ارسال نماید.

اغلب دستگاه های ملی خبر داده است. طبق گفته وی «مدت اجرای طرح جامع احیای خلیج گرگان که مصوب به ستاد هماهنگی مدیریت تالاب های کشور است، پنج ساله (از سال ۱۳۹۹ تا ۱۴۰۳) بود و اعتبار آن بر اساس برآورد سال ۱۳۹۹، ده هزار میلیارد ریال (معادل هزار میلیارد تومان) تعیین شده بود و در مجموع تکالیفی که برای دستگاه های مختلف پیش بینی شده، محیط زیست کمترین نقش را داشته و البته آن ها را هم اجرایی کرده است. ارائه سناریوی ارتباط خلیج با دریا، تکلیف استانداری گلستان بود که محقق و نهایی شده است. لایروبی کانال ارتباطی خلیج گرگان با دریا نیز تکلیف سازمان بنادر و دریانوردی بود که تا اینجا لایروبی اولیه کانال آشوراده محقق شده است. امکان سنجی پمپاژ آب دریا به خلیج تکلیف سازمان محیط زیست بود که مطالعات پایه (صفر) آن انجام شده و اکنون باید وزارت نیرو مطالعات تکمیلی (فاز یک و دو) را انجام دهد. احداث ایستگاه پمپاژ منوط به اتمام مطالعات وزارت نیرو است و مطالعات تمام نشود، اقدامی صورت نمی گیرد. تعیین نیاز آبی محیط زیستی خلیج تکلیف سازمان محیط زیست بود که انجام شد؛ اما تأمین یا تخصیص نیاز آبی این خلیج جزء تکالیف وزارت نیرو بود که انجام نشد. لایروبی انهار ورودی به خلیج گرگان نیز تکلیف وزارت نیرو بوده که طبق گزارش های داده شده در حال اجراست؛ اما در صد پیشرفت فیز یکی آن بسیار پایین است. انتقال آب مازاد حوضه های آبریز تالار و تجن از مازندران نیز تکلیف وزارت نیرو بود که محقق نشده است. همچنین کاهش مصرف آب در بخش کشاورزی در حوضه آبریز تکلیف وزارت جهاد کشاورزی بود که طبق گزارش ها با درصد بسیار پایین در حال انجام است. اجرای عملیات آبخیزداری و آبخوان داری تکلیف وزارت جهاد کشاورزی بود که با درصد پیشرفت بسیار پایین در حال اجراست.»

در همین راستا، حر منصوری، کارشناس و فعال محیط زیست در گفت وگو با «فرهنگیتمان» به بررسی وضعیت میانکاله و خلیج گرگان پرداخت.

۲۰ هزار هکتار از تالاب میانکاله دچار تغییر شده است

منصوری در خصوص کاهش تراز دریای خزر اظهار کرد: «این کاهش به صورت محسوس آغاز شده است. همچنین به نظر می رسد امسال نسبت به سال قبل این کاهش تراز ملموس تر باشد و هر چه زمان می گذرد، سرعت کاهش تراز دریای خزر بیشتر می شود. از آنجا که میانکاله یکی از تالاب های ساحلی متصل به دریای خزر (دریای کاسپین) است، بر اساس قانون ظروف مرتبط، تراز تالاب میانکاله مستقیماً از تراز دریای کاسپین تأثیر می پذیرد؛ یعنی هر چه تراز دریا پایین تر بیاید، طبیعتاً بر تالاب نیز اثر می گذارد. البته این موضوع پدیده جدیدی نیست، در دهه ۵۰ نیز تقریباً شرایط مشابهی تجربه شده بود؛ به طوری که در بخش های غربی تالاب حدود ۲۰ تا ۲۵ هزار هکتار خشک شده بود. اکنون نیز عملاً در همان شرایط قرار داریم. البته عکس این وضعیت را هم در گذشته داشته ایم. برای مثال در سال های ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۲ آخرین افزایش قابل توجه تراز آب دریای خزر رخ داد که باعث شد بسیاری از شهر های ساحلی شمال ایران، از جمله بندر ترکمن، بابلسر، تنکابن و رامسر، دیواره های سنگی برای مقابله با پیشروی آب دریا به سمت خشک ها ایجاد کنند. در آن زمان، آب تالاب نیز تحت تأثیر همین افزایش تراز، به میزان زیادی افزایش یافت. اکنون این روند در مسیر منفی قرار گرفته است و بخش های غربی تالاب میانکاله به دلیل شیب کمتر و کم عمق بودن، خشک شده اند. بر آوردها نشان می دهد حدود ۲۰ هزار هکتار از مجموع ۴۳ هزار هکتار تالاب میانکاله دچار تغییر شده است.»

تغییر اکوسیستم آغاز شده و باید با آن سازگار شد

وی با اشاره به اینکه نسخه واحد و ساده ای برای اقداماتی که باید در داخل کشور و در خود میانکاله انجام شود وجود ندارد، گفت: «این موضوع نیازمند مجموعه ای از فعالیت ها و برنامه ریزی های جامع است و اینکه تصور کنیم با انجام یک اقدام خاص مشکل حل می شود، نگاه درستی نیست. بخشی از راهکار، پذیرش این پس روی و مدیریت و تطبیق با شرایط جدید منطقه است. در بخش هایی که خشک شده اند، در واقع یک سیستم جدید در حال شکل گیری است و در مناطقی که در گذشته تالاب بوده اند، اکنون گونه هایی متفاوت از گذشته مشاهده می شود. برای مثال، جوجه تیغی که پیش تر در بخش های محدودی از میانکاله حضور داشت، اکنون گسترش یافته و



خلیج گرگان و تالاب میانکاله امروز نه با روایت های هشدار آمیز که با اعداد و نشانه های عینی فروکاستن حیات شناخته می شوند. کاهش تراز آب، عقب نشینی مرز پهنه آبی، افزایش شوری و افت تنوع زیستی، مجموعه ای از شاخص های کفی اند که تصویر روشنی از وضعیت این اکوسیستم حساس ارائه می دهند؛ تصویری که دیگر جای تردید باقی نمی گذارد. آنچه در این محدوده در حال رخ دادن است، نه یک نوسان مقطعی، بلکه روندی فرسایشی است که طی دو دهه گذشته به تدریج تثبیت شده و

اکنون به مرحله بروز پیامد های گسترده رسیده است. تالاب میانکاله که منبع اصلی تعادل زیستی شرق مازندران و غرب گلستان به شمار می رود، در حالی حدود ۲۰ هزار هکتار از سطح خود را از دست داده که در دریای خزر، به عنوان مهم ترین منبع تغذیه آبی آن، سال هاست با کاهش مستمر تراز مواجه است. افت سالانه ۱۵ تا ۲۰ سانتی متری سطح آب خزر، هم زمان با کاهش بارش ها و انسداد مسیر های طبیعی تأمین حقایه، کارکرد هیدرولوژیک این تالاب ثبت شده در کنوانسیون رامسر را به شدت مختل کرده است. در کنار این عوامل طبیعی، توسعه فعالیت های انسانی در بالادست، از حفر چاه های غیر مجاز تا گسترش مزارع پرورش ماهی، فشار مضاعفی بر سامانه آبی وارد کرده که پیامد آن، خشک شدن بخش های وسیعی از بستر تالاب و تهدید زیستگاه پرندگان و آبزیان است.

خلیج گرگان نیز در همین الگوی فرسایشی گرفتار شده است. پهنه ای که زمانی نقش ضربه گیر طبیعی در برابر نوسانات خزر را ایفا می کرد، اکنون خود به یکی از آسیب پذیر ترین نقاط ساحلی بدل شده است. طی سال های گذشته، کاهش تبادل آبی میان خلیج و دریا، افزایش شوری و رسوب گذاری گسترده، شرایطی را رقم زده که حیات زیستی خلیج را به مرز ناپایداری رسانده است. داده های رسمی نشان می دهد که پس از لایروبی اولیه کانال آشوراده، اگر چه برای مدتی هم تراز ی سطح آب خلیج و خزر برقرار شد و شوری آب کاهش یافت؛ اما نبود اقدامات تکمیلی، این دستاورد موقت را به فرصتی از دست رفته تبدیل کرده است.

بازگشت روند نزولی تراز آب، کاهش دوباره مساحت پهنه آبی و افزایش شوری تا سطح تهدید کننده، نشانه هایی است از اینکه مداخله های انجام شده، نه در قالب یک برنامه پایدار، بلکه به صورت مقطعی و ناتمام اجرا شده اند. خلیجی که پیش تر بیش از ۴۰۰ کیلومتر مربع وسعت داشت اکنون با خشک شدن حدود ۳۵ درصد از مساحت خود مواجه است و بخش های باقی مانده نیز در معرض تداوم همین روند قرار دارند. کاهش تنوع ماهیان به چند گونه محدود و افت شدید عمق کانال ارتباطی با دریا، شواهد روشنی از شکنندگی وضعیت کنونی اند.

در این میان، مسئله صرفاً به تغییرات اقلیمی یا پس روی طبیعی آب خزر محدود نمی شود. گزارش های دستگاه های نظارتی و اظهارات رسمی مسئولان، از کندی اجرا، ناهماهنگی نهادی و تحقق نیافتن بخش مهمی از تکالیف مصوب در طرح جامع احیای خلیج گرگان حکایت دارد. طرحی که باز مان پند ی مشخص و اعتبارات قابل توجه تعریف شد؛ اما در عمل بخش اعظم آن یا به مرحله اجرا نرسیده یا با پیشرفت فزنی یکی ناچیز متوقف مانده است. از تأمین حقایه به زیست محیطی گرفته تا پمپاژ آب دریا و لایروبی مستمر کانال ها، فاصله معناداری میان مصوبه و اجرا شکل گرفته است. نتیجه این تعلل، تنها تهدید یک پهنه آبی نیست. معیشت جوامع محلی، پایداری زیست محیطی سواحل جنوبی خزر و حتی کارکردهای اقتصادی منطقه، همگی در معرض پیامد های این روند قرار دارند. خلیج گرگان و تالاب میانکاله اکنون در نقطه ای ایستاده اند که استمرار وضع موجود، به معنای تثبیت بحران است.

اجرای کند طرح احیای خلیج گرگان نگرانی ها را تشدید می کند

با توجه به اهمیت غیر قابل انکار خلیج گرگان، لزوم اجرای دقیق تکالیف در نظر گرفته شده برای حفاظت و احیای آن برای هر دستگاه دوچندان می شود. قدیر حسن زاده، مدیرکل حفاظت محیط زیست گلستان اخیراً ارائه گزارشی از وضعیت اجرایی بندهای طرح جامع احیای خلیج گرگان، در باره عملکرد کند و ناقص